

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه قم

دانشکده الهیات

پایانامه دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

بررسی تطبیقی معیار معناداری و صدق و کذب از منظر فلسفه اسلامی و پوزیتیویسم

استاد راهنما:

دکتر نفیسه ساطع

استاد مشاور:

دکتر فرح رامین

نگارنده:

اعظم طالبی

دی ۱۳۹۰

تقدیم

اثر حاضر را به روح مادر مهربانم تقدیم می‌نمایم. باشد که دعای خیر مادر،

پشتوانه‌ی راهم باشد.

تقدیر و تشکر

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب علم و دانش را به ما عطا فرمود. در انجام این پژوهش، لازم می‌دانم از زحمات اساتید بزرگوار و دلسوزم، استاد راهنما؛ سرکار خانم دکتر ساطع و استاد مشاور؛ سرکار خانم دکتر رامین، که من را در انجام این اثر یاری نمودند، و هم چنین، اساتید محترمی که در دانشکده‌ی الهیات دانشگاه فردوسی من را در این زمینه یاری نمودند، و بخصوص از مادر بسیار مهربان، فداکار و صبورم که عمر شریفش را از یاری به فرزندانش دریغ نفرمود، نهایت تشکر را دارم.

چکیده

مسئله‌ی معیار صدق از مباحث عمده و اساسی در معرفت‌شناسی می‌باشد. امروزه به جای بحث از ملاک صدق، از معیار صدق بحث می‌گردد؛ زیرا نحوه‌ی احراز صدق، تعیین‌کننده جهان بینی‌های متعدد از سوی افراد بشر می‌باشد؛ در واقع آنان راه حقیقت را در نحوه‌ی احراز صدق یافته‌اند. بنابراین ایدئولوژی متناسب با این جهان بینی که بر آمده از شناخت‌شناسی آن‌هاست را بر می‌گزینند. ارائه‌ی معیارهای صحیح راه یابی به حقیقت، می‌تواند نقش مؤثری در انتخاب جهان بینی و ایدئولوژی‌های متناسب با آن داشته باشد. این معیار در فلسفه اسلامی، با ارجاع گزاره‌های نظری به بدیهی تبیین می‌گردد، و در پوزیتیویسم این معیار تجربه می‌باشد.

مسئله‌ی معناداری در فلسفه‌ی غرب، بر خلاف فلسفه‌ی اسلامی، از مباحث چالش‌انگیز بوده است. توجه به معناداری به معنای توجه به زیربنای شروع تمامی بحث‌ها، سؤال‌ها و پاسخ‌ها می‌باشد. توجه به معیار معناداری تعیین‌کننده‌ی گستره‌ی مباحث با معنا از بی معنا، و در نتیجه سرمایه‌گذاری فکری و عملی بر مباحث معنادار است. هرگونه خطا و اشتباه در این رابطه چه بسا سرمایه‌ی عظیم زندگی انسان را با مخاطره مواجه می‌گرداند.

رسالت این پایان‌نامه، ارائه‌ی تصویری روشن از مسئله‌ی معیار معناداری و صدق و کذب در فلسفه اسلامی و پوزیتیویسم می‌باشد؛ به گونه‌ای که بتواند راه حلی اساسی جهت مشکلات عمده‌ی مطرح شده بر نگرش پوزیتیویسمی ارائه نماید.

کلیدواژه‌ها: معیار، معناداری، صدق و کذب، تحقیق‌پذیری، پوزیتیویسم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمات
۲	مقدمه
۴	۱- تبیین مسئله
۴	۲- پیشینه تحقیق
۶	۳- ضرورت تحقیق
۸	۴- هدف تحقیق
۸	۵- روش تحقیق
۹	۶- سؤالات تحقیق
۹	الف) سؤالات اصلی تحقیق
۹	ب) سؤالات فرعی تحقیق
۹	۷- فرضیه‌ها
۹	الف) فرضیه ی اصلی
۹	ب) فرضیه ی فرعی
۱۰	فصل اول: کلیات
۱۱	۱-۱- واژه شناسی
۱۱	۱-۱-۱- مفهوم لغوی معیار
۱۱	۱-۱-۲- مفهوم اصطلاحی معیار
۱۱	۱-۱-۳- مفهوم لغوی معناداری
۱۲	۱-۱-۴- مفهوم اصطلاحی معناداری

- ۱-۱-۵- مفهوم لغوی صدق و کذب.....۱۲
- ۱-۱-۶- مفهوم اصطلاحی صدق و کذب.....۱۲
- ۱-۱-۷- مفهوم لغوی پوزیتیویسم.....۱۲
- ۱-۱-۸- مفهوم اصطلاحی پوزیتیویسم.....۱۳
- ۱-۱-۹- مفهوم لغوی معرفت شناسی.....۱۳
- ۱-۱-۱۰- مفهوم اصطلاحی معرفت شناسی.....۱۴
- ۲-۱- سیر تاریخی معرفت شناسی.....۱۵
- ۱-۲-۱- سیر تاریخی معرفت شناسی در فلسفه‌ی اسلامی.....۱۵
- ۲-۲-۱- مبحث دوم- سیر تاریخی معرفت شناسی در غرب.....۱۵
- ۱-۲-۲-۱- معرفت شناسی در یونان باستان.....۱۵
- ۲-۲-۲-۱- معرفت شناسی در قرون وسطی.....۱۶
- ۳-۲-۲-۱- معرفت شناسی در فلسفه جدید.....۱۷
- ۳-۱- رابطه معرفت شناسی با علوم دیگر.....۱۸
- ۱-۳-۱- رابطه معرفت شناسی با منطق.....۱۸
- ۲-۳-۱- رابطه معرفت شناسی با فلسفه.....۱۸
- ۳-۳-۱- رابطه معرفت شناسی با عرفان.....۱۹
- ۴-۳-۱- رابطه معرفت شناسی با علوم تجربی.....۱۹
- ۴-۱- پوزیتیویسم.....۱۹
- ۱-۴-۱- ریشه‌های تاریخی و فکری پوزیتیویسم.....۲۱
- ۲-۴-۱- اصل محوری پوزیتیویسم منطقی.....۲۴
- ۳-۴-۱- اقوال و تفکرات پوزیتیویست‌ها.....۲۶
- ۴-۴-۱- دامنه پوزیتیویسم منطقی.....۳۱
- ۵-۱- مقدمات مسئله صدق.....۳۲
- ۱-۵-۱- عدم اتصاف علم حضوری به صدق و کذب.....۳۲
- ۲-۵-۱- عدم اتصاف تصورات به صدق و کذب.....۳۳

۳۳ ۱-۵-۳- فرق ملاک و معیار
۳۴ ۱-۵-۴- تئوری‌های صدق
۳۴ ۱-۴-۵-۱- تئوری مطابقت
۳۵ موارد کاربرد تئوری مطابقت
۳۷ ۱-۴-۵-۲- نظریه انسجام
۳۸ ۱-۴-۵-۳- نظریه عمل‌گرا
۳۸ ۱-۴-۵-۴- نظریه معنایی تارسکی
۳۹ ۱-۴-۵-۵- شبکه نظریات کاهش‌گرا
۴۰ ۱-۶- معناداری
۴۱ ۱-۶-۱- تاریخچه مختصری از سیر معناداری در فلسفه‌ی اسلامی
۴۲ ۱-۶-۲- تاریخچه معناداری در فلسفه غرب
۴۶ فصل دوم: شناخت‌شناسی
۴۷ مقدمه
۴۸ ۱-۲- معرفت حقیقی
۵۰ ۲-۲- امکان معرفت
۵۲ ۱-۲-۲- شکاکیت
۵۷ ۲-۳- منابع معرفت
۵۷ ۲-۳-۱- حواس
۵۸ ۲-۳-۲- عقل
۵۹ ۲-۳-۳- قلب
۵۹ ۲-۳-۴- گواهی
۶۱ ۲-۴- اقسام شناخت
۶۳ ۲-۴-۱- تبیین اقسام شناخت
۶۳ ۲-۴-۱-۱- علم حضوری
۶۷ ۲-۴-۱-۲- علم حصولی

۶۹	۲-۵- قضیه
۷۰	۲-۵-۱- قضایای بدیهی و نظری
۷۰	۲-۵-۱-۱- قضایای بدیهی اولی و ثانوی
۷۱	۲-۵-۲- قضایای یقینی
۷۲	۲-۵-۲-۱- تبیین اقسام قضایای یقینی
۷۶	۲-۶- مبنای برهان در فلسفه اسلامی
۷۷	۲-۶-۱- بداهت اساس نظریه مبنای گروهی
۷۸	۲-۷- اثبات بدیهیات
۷۹	نگاه پایانی
۸۰	فصل سوم: معیار معناداری و صدق و کذب در فلسفه اسلامی
۸۱	مقدمه
۸۲	۳-۱- معیار معناداری در فلسفه اسلامی
۸۴	۳-۱-۱- دلالت و معنا
۸۴	۳-۱-۱-۱- نحوه دلالت لفظ بر معنا
۸۸	۳-۱-۲- ضرورت معنا و مدلول
۸۹	۳-۱-۳- موضوع له الفاظ
۹۰	۳-۲- معیار صدق و کذب در فلسفه اسلامی
۹۰	۳-۲-۱- نظریه مطابقت صدق به عنوان معیار معناداری
۹۴	۳-۲-۲- معیار صدق قضایا با توجه به نفس الامر
۹۴	۳-۲-۲-۱- معیار صدق قضیه حملیه
۹۵	۳-۲-۲-۲- معیار صدق قضیه شرطیه متصله لزومیه
۹۵	۳-۲-۲-۳- معیار صدق قضیه شرطیه منفصله
۹۶	۳-۳- معیار صدق قضایا از نگاهی دیگر
۹۷	۳-۳-۱- معیار صدق علوم حصولی بدیهی
۱۰۸	۳-۳-۲- معیار صدق قضایای حصولی نظری

نگاه پایانی.....	۱۱۰
فصل چهارم: معیار معناداری و صدق و کذب در فلسفه‌ی پوزیتیویسم.....	۱۱۱
مقدمه.....	۱۱۲
۱-۴- تئوری‌های معنا.....	۱۱۳
۱-۴-۱- نظریه مفهومی.....	۱۱۳
۱-۴-۲- نظریه توصیفی.....	۱۱۳
۱-۴-۳- نظریه علی.....	۱۱۴
۱-۴-۴- نظریه تصویری.....	۱۱۵
۱-۴-۵- نظریه کاربردی.....	۱۱۵
۱-۴-۶- نظریه رفتارگرایانه یا محرک و پاسخ.....	۱۱۶
۱-۴-۷- نظریه فعل گفتاری.....	۱۱۷
۱-۴-۸- نظریه مصداقی معنا.....	۱۱۷
۱-۴-۸-۱- نظریه تحقیق پذیری.....	۱۱۸
۱-۴-۸-۲- نظریه ابطال پذیری.....	۱۲۶
۲-۴- رویکرد اثبات گرایی و معناداری پوزیتیویسم ها.....	۱۲۷
۱-۲-۴- رویکرد فلاسفه ی قرن نوزدهم.....	۱۲۷
۱-۲-۴-۱- رویکرد کنت به اثبات گرایی.....	۱۲۷
۱-۲-۴-۲- رویکرد استوارت میل به اثبات گرایی.....	۱۳۰
۲-۲-۴- رویکرد فلاسفه ی قرن بیستم.....	۱۳۲
۱-۲-۲-۴- رویکرد آیر به اثبات گرایی و معنا.....	۱۳۲
۲-۲-۲-۴- رویکرد کارناپ به اثبات گرایی و معنا.....	۱۳۴
۳-۲-۲-۴- رویکرد پوپر به اثبات گرایی و معنا.....	۱۳۶
نگاه پایانی.....	۱۳۷
فصل پنجم: بررسی تطبیقی معیار معناداری و صدق و کذب در فلسفه‌ی اسلامی و پوزیتیویسم.....	۱۳۹
۱-۵- نگره‌ی تطبیقی به معرفت در دیدگاه فلاسفه‌ی اسلامی و پوزیتیویست ها ...	۱۴۱

- ۱۴۱-۱-۱-۵- تفاوت‌های معرفت‌شناسی در غرب و جهان اسلام.....
- ۱۴۲-۱-۱-۵- معرفت از دیدگاه فلاسفه‌ی اسلامی.....
- ۱۴۳-۱-۲-۱-۵- نقد تعریف فلاسفه مسلمان از معرفت.....
- ۱۴۴-۱-۳-۱-۵- معرفت از دیدگاه فلاسفه‌ی پوزیتیویست.....
- ۱۴۵-۱-۳-۱-۵- نقد تعریف فلاسفه‌ی غرب از معرفت.....
- ۱۴۵-۲-۵- نگره‌ی تطبیقی مبناگروی در دیدگاه فلاسفه‌ی اسلامی و پوزیتیویست‌ها.....
- ۱۴۵-۱-۲-۵- مبناگرایی از دیدگاه فلاسفه اسلامی.....
- ۱۴۷-۲-۲-۵- مبناگروی از دیدگاه فلاسفه‌ی پوزیتیویست.....
- ۱۴۹-۳-۲-۵- نقد مبناگرایی از دیدگاه فلسفه‌ی اسلامی و پوزیتیویسم.....
- ۱۴۹-۳-۵- نگره‌ی تطبیقی به ابزار کسب علم در دیدگاه فلاسفه‌ی اسلامی و پوزیتیویست‌ها.....
- ۱۵۰-۱-۳-۵- نگاهی به ابزار کسب علم در فلسفه‌ی اسلامی.....
- ۱۵۰-۱-۱-۳-۵- حواس.....
- ۱۵۰-۲-۱-۳-۵- عقل.....
- ۱۵۳-۳-۱-۳-۵- شهود.....
- ۱۵۴-۲-۳-۵- نگاهی به ابزار کسب علم در فلسفه‌ی پوزیتیویسم.....
- ۱۵۴-۱-۲-۳-۵- تجربه.....
- ۱۵۵-۳-۳-۵- نقد ابزار کسب علم در فلسفه اسلامی و پوزیتیویسم.....
- ۱۵۸-۱-۳-۳-۵- اشکالات تجربه‌گرایی.....
- ۱۶۳-۴-۵- نگره‌ی تطبیقی به اقسام قضایا از دیدگاه فلاسفه‌ی اسلامی و پوزیتیویست‌ها.....
- ۱۶۳-۱-۴-۵- اقسام قضایا از دیدگاه فلاسفه اسلامی.....
- ۱۶۴-۲-۴-۵- اقسام قضایا از دیدگاه فلاسفه‌ی پوزیتیویست.....
- ۱۶۴-۳-۴-۵- نقد اقسام قضایا از دیدگاه فلسفه‌ی اسلامی و پوزیتیویسم.....
- ۱۶۵-۵-۵- نگره‌ی تطبیقی به صدق از دیدگاه فلاسفه‌ی اسلامی و پوزیتیویست‌ها.....
- ۱۶۵-۱-۵-۵- صدق در دیدگاه فلسفه اسلامی.....

۱۶۵.....	۲-۵-۵- صدق در دیدگاه پوزیتیویسم.....
۱۶۸.....	۳-۵-۵- نقد صدق در دیدگاه فلاسفه ی اسلامی و پوزیتیویسم.....
۱۶۹.....	۶-۵- نگره ی تطبیقی به معناداری در دیدگاه فلاسفه ی اسلامی و پوزیتیویست ها.....
۱۶۹.....	۱-۶-۵- معناداری از دیدگاه فلاسفه ی اسلامی.....
۱۷۰.....	۲-۶-۵- معناداری از دیدگاه فلاسفه ی پوزیتیویست.....
۱۷۲.....	۳-۶-۵- نقد معناداری دیدگاه فلاسفه ی پوزیتیویسم.....
۱۷۴.....	۱-۳-۶-۵- بررسی تفصیلی اشکالات مطرح شده.....
۱۷۷.....	۳-۶-۵- نقد معناداری دیدگاه فلاسفه ی پوزیتیویسم.....
۱۸۰.....	نگاه پایانی.....
۱۸۱.....	نتیجه ی نهایی.....
۱۸۵.....	فهرست منابع و ماخذ.....
۱۸۵.....	الف) کتب(فارسی و عربی).....
۱۹۳.....	ب) منابع عربی.....
۱۹۴.....	ج) فهرست مقالات.....
۱۹۵.....	د) منابع انگلیسی.....

مقدمات

مقدمه

آدمی با توجه به معلومات خود، متوجه می‌گردد که برخی از آن‌ها به طور قطع یقینی، و برخی خطا می‌باشد؛ در این جاست که به دنبال معیاری می‌گردد، تا دانسته‌های صحیح را از غلط تشخیص دهد.

مسئله معیار صدق از مسائل مهم و محوری حوزه‌ی معرفت‌شناسی بوده، که تقریباً مسائل دیگر نقش مقدماتی نسبت به این مسئله دارند.

از جمله نکات قابل توجه این است که هرگونه رد یا قبول مسائل معرفتی و هرگونه نظریه پردازی در این حوزه، متوقف بر داشتن یک معیار از پیش پذیرفته شده، می‌باشد؛ در واقع بدون داشتن یک معیار صحیح آغاز نمودن مباحث معرفت‌شناسی بی‌فایده و در واقع محال می‌باشد.

در طول تاریخ فلسفه‌ی غرب، برخی از فلاسفه معیار صدق را امری عقلی و برخی حس و تجربی می‌دانستند. تا این که در قرن بیستم پوزیتیویست‌های منطقی هم معیار صدق و هم معیار معناداری را تجربه دانسته، و با قبول این دیدگاه چالش‌های نوینی را در حوزه‌ی دین، ارزش‌های اخلاقی، جامعه و مسائل متافیزیکی خلق نمودند.

فلاسفه اسلامی، برخلاف پوزیتیویست‌ها، همه‌ی محوریت را به مباحث تجربی نداده، بلکه تجربه را به عنوان یکی از راه‌های شناخت عالم واقع دانستند. آنان معیار صدق برخی قضایا را عقلی و برخی را تجربی و... دانسته، و از میان عقل و حس اصالت را به عقل دادند.

موضوع دیگر مطرح شده در این رساله، معیار معناداری می‌باشد. معناداری از جمله مباحثی است که امروزه در حوزه‌ی فلسفه، به ویژه در فلسفه‌ی تحلیلی و فلسفه‌ی زبان بحث و کنکاش می‌گردد.

مطالب ارائه گشته در این زمینه در این رساله، درصدد تبیین این مسئله است که در چه شرایطی و با برخورداری از چه ویژگی‌هایی یک کلمه و یا یک جمله و عبارت معنادار گردیده و در غیر آن شرایط بی معنا محسوب می‌گردد؛ یک نظریه‌ی فلسفی درباره‌ی معنا باید تبیین کند که معناداری کلمات به چه اعتبار است و این که انسان‌ها چگونه می‌توانند کلمات معنادار را ایجاد نموده و بفهمند.

پوزیتیویست‌ها، معیار معناداری را صرفاً تحقیق‌پذیری می‌دانستند، اما فلاسفه‌ی اسلامی آن را به واسطه‌ی وضع و قرارداد می‌دانند.

این رساله در این حوزه، درصدد شناسایی معیاری درست جهت معناداری می‌باشد. در این پژوهش سعی گردیده موضوع رساله با عنوان «بررسی تطبیقی معیار معناداری و صدق و کذب از نگاه فلسفه‌ی اسلامی و پوزیتیویسم» مورد تبیین و تطبیق و نقد واقع گردد. هم‌چنین سعی شده تا راهکارهای اساسی در مواجهه با چالش‌های مطرح در دیدگاه پوزیتیویسم ارائه گردد.

لازم به ذکر است، متناسب با موضوع رساله در دهه‌های اخیر کتب و مقالات و پایان‌نامه‌هایی نگاشته شده است؛ اما بررسی موضوع معناداری در فلسفه اسلامی و تدوین نظریات فلاسفه‌ی پوزیتیویسم در یک مجموعه و به صورت یک جا و تطبیقی بودن پژوهش از جمله موارد ابتکاری این رساله در رابطه با آثار شکل گرفته می‌باشد. برای رسیدن به اهداف منظور، این رساله در پنج فصل ذیل تنظیم گردیده است.

فصل اول؛ کلیات

فصل دوم؛ شناخت شناسی

فصل سوم؛ معیار معناداری و صدق و کذب از نگاه فلسفه‌ی اسلامی

فصل چهارم؛ معیار معناداری و صدق و کذب از نگاه فلسفه‌ی پوزیتیویسم

فصل پنجم؛ بررسی تطبیقی معیار معناداری و صدق و کذب در فلسفه‌ی اسلامی و

پوزیتیویسم

۱- تبیین مسئله

مسئله‌ی «توجیه صدق و معنا» از مسائل مهم فلسفی و چالش برانگیز در فلسفه‌ی غرب بوده که مباحث متعددی پیرامون آن مطرح گشته است. این مسائل در فلسفه اسلامی به دلیل استحکام مبانی آن، به صورت مستقل مطرح نبوده و در ذیل مباحث هستی‌شناسی و منطقی مطرح گشته است.

در این رساله تلاش گردیده است تا مسئله‌ی «معیار صدق» و «معیار معناداری» در فلسفه‌ی اسلامی، به علت گستردگی زیاد، از دیدگاه برخی فلاسفه‌ی اسلامی از جمله ابن سینا، شیخ اشراق، صدرای علامه و برخی از فلاسفه معاصر بررسی گردد. هم‌چنین این مسئله در فلسفه پوزیتیویسم از دیدگاه جان استوارت میل، آگوست کنت در قرن نوزدهم و فلاسفه‌ای مثل کارناب، آیر و پوپر در قرن بیستم بررسی گردد.

این رساله با رویکرد تطبیقی به معرفت، مبناگروی، ابزار کسب علم، اقسام قضایا، در دو مکتب فلسفه اسلامی و پوزیتیویسم، قصد دارد تا تصویری روشن از موضوع رساله؛ «بررسی تطبیقی معیار معناداری و صدق و کذب از نگاه فلسفه اسلامی و پوزیتیویسم» ارائه نماید.

۲- پیشینه تحقیق

گرچه شناخت‌شناسی به عنوان شاخه‌ای از علوم فلسفی، سابقه‌ی زیادی در تاریخ علوم ندارد، ولی می‌توان گفت که مسئله‌ی «ارزش شناخت» که محور اصلی مسائل آن را تشکیل می‌دهد از قدیمی‌ترین دوران‌های فلسفه کمابیش مطرح بوده است و شاید نخستین عاملی که موجب توجه‌ی اندیشمندان به این مسئله شده کشف خطاهای حواس و نارسایی این ابزار شناخت برای نمایش دادن واقعیت‌های خارجی بوده است، و همین امر، موجب شد که الیائیان بهای بیشتری به ادراکات عقلی بدهند و ادراکات حسی را قابل اعتماد ندانند.

از سوی دیگر اختلافات دانشمندان در مسائل عقلی و استدلال‌ات متناقضی که هر گروهی برای اثبات و تأیید افکار و آراء خودشان می‌کردند به سوفیست‌ها مجال داد که ارزش ادراکات

عقلی را انکار کنند و به قدری در این زمینه زیاده‌روی کردند که اساساً واقعیت خارجی را مورد شک و انکار قرار دادند.

از این پس، مسئله‌ی شناخت به صورت جدی‌تری مطرح شد تا این که ارسطو اصول منطقی را به عنوان ضوابطی برای درست اندیشیدن و سنجش استدلال‌ها تدوین کرد که هنوز هم بعد از گذشت بیست و چند قرن، مورد استفاده می‌باشد و حتی مارکسیست‌ها پس از سال‌ها مبارزه با آن سرانجام آن را به عنوان بخشی از منطق مورد نیاز بشر، پذیرفته‌اند.

بعد از دوران شکوفایی فلسفه‌ی یونان، نوساناتی در ارزش‌گذاری به ادراکات حسّی و عقلی پدید آمد، و بعد از عهد رنسانس و پیشرفت علوم تجربی تدریجاً حس‌گرایی، رواج بیشتری یافت چنانکه اکنون هم گرایش غالب، همین است. هرچند در میان عقل‌گرایان هم گاه چهره‌های برجسته‌ای رخ نموده‌اند.

تقریباً نخستین پژوهش‌های سیستماتیک درباره‌ی شناخت‌شناسی در قاره‌ی اروپا به وسیله‌ی لایب‌نیتز و در انگلستان به وسیله‌ی جان لاک، انجام یافت و بدین ترتیب شاخه‌ی مستقلی از علوم فلسفی رسماً شکل گرفت. پژوهش‌های لاک به وسیله‌ی اخلافش بارکلی و هیوم، دنبال شد و مکتب تجربه‌گرایی ایشان شهرت یافت، و تدریجاً موقعیت عقل‌گرایان را تضعیف کرد به طوری که کانت فیلسوف معروف آلمانی که در جناح عقل‌گرایان قرار دارد شدیداً تحت تأثیر افکار هیوم واقع شد.

کانت، ارزش‌یابی شناخت و توان عقل را مهم‌ترین وظیفه‌ی فلسفه قلمداد کرد ولی ارزش ادراکات عقل نظری را تنها در محدوده‌ی علوم تجربی و ریاضی و در خدمت آن‌ها پذیرفت و نخستین ضربه‌ی سهمگین را از میان عقل‌گرایان بر پیکر متافیزیک وارد ساخت. هرچند قبلاً هیوم، چهره‌ی برجسته مکتب تجربه‌گرایی حمله‌ی سختی را آغاز کرده بود، و بعداً هم به وسیله‌ی پوزیتویست‌ها به صورت جدی‌تری دنبال شد. بدین ترتیب تأثیر عینی شناخت‌شناسی در سایر رشته‌های فلسفه‌ی غربی آشکار می‌شود.^۱

در فلسفه‌ی غرب، مسئله‌ی معنا، تئوری‌های چالش برانگیزی برانگیخته و فلاسفه‌ی متعددی

۱. محمد تقی مصباح. آموزش فلسفه، چاپ دوم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۳۱

را به خود مشغول ساخته است؛ چنان که نظریات متفاوتی در فلسفه‌ی غرب در رابطه با معنا، مطرح گشته است.

سرآغاز این بحث را در غرب می‌توان در آثار و نوشته‌های فیلسوفانی هم چون، لاک، بارکلی و هیوم جست‌وجو کرد. زیرا آنان معنا را همان «صورت‌های حسّی موجود در ذهن» می‌پنداشتند. بدین معنا که هر کلمه‌ای را با معنا می‌دانستند که بتواند صورت ذهنی خاصی پدید آورد. در این میان پوزیتیویست‌ها با قائل شدن به مصداق خارجی برای معنا، دیدگاهی جدید در این مسئله مطرح نمودند.

فیلسوفان بزرگ اسلامی؛ ابن سینا، شیخ اشراق و صدرالمآلهین با پرداختن به مبحث الفاظ در منطق به مسئله‌ی معناداری توجه داشته‌اند.

فلاسفه‌ی اسلامی، در مسئله‌ی نحوه‌ی احراز صدق قضایا، آن را به صراحت مطرح نکرده‌اند، اما با توجه به فضای فکری حاکم بر آثار آن‌ها می‌توان مطابقت را مفروض گرفت.

در دهه‌های اخیر کتاب‌هایی در رابطه با معرفت‌شناسی از جمله، پوزیتیویسم منطقی (خرمشاهی)، فلسفه در قرن بیستم (ژان لاکوست)، معیار ثبوتی صدق قضایا (شریفی)، پیشینه و پیرنگ معرفت‌شناسی اسلامی (معلمی)، مقاله‌ی ملاک معناداری (فعال) و... پایان‌نامه‌ای با موضوع ملاک صدق قضایا (سلیمانی)، نگاشته شده است. اما هیچ‌کدام به صورت کامل به موضوع رساله نپرداخته‌اند. فرق این رساله، با آثار صورت گرفته در این است که آثار صورت گرفته، به تفصیل به موضوع نپرداخته‌اند. مهمتر، این که هر یک با نگاهی متفاوت، به موضوع نگریسته، و رساله‌ی حاضر نیز، نگاه خاص خود را به موضوع داشته و سعی نموده تا حقیقت را بنگارد.

۳- ضرورت تحقیق

ضرورت بررسی مسئله‌ی «معیار معناداری»، در تعیین گستره‌ی معلومات معنادار صادق و کاذب از معلومات بی‌معنا اهمیت می‌یابد؛ و بدین ترتیب جایگاه هر معلوم معنادار و ارزش صدق آن معین گشته و از پرداختن به مباحث بی‌معنا اجتناب می‌گردد.

در واقع پس از معین‌گشتن گستره‌ی معلومات معنادار است که نظریه‌ها، پرسش‌ها و پاسخ

ها پیرامون آن شکل می گیرد.

اساساً مسئله‌ی معیار صدق یکی از پرتأثیرترین زمینه‌های فلسفی است. جستجو و پژوهش هر چند کوتاه نیز آشکار می‌سازد که پیدایش بسیاری از نگرش‌های تازه در همه‌ی زمینه‌ها- مستقیم یا غیر مستقیم- به دگرگونی‌هایی در این مسئله ارتباط داشته و هم‌چنان نیز دارد. در واقع نمی‌توان و نباید دامنه‌ی تأثیر و نفوذ مسئله توجیه را تنها به تأثیر انکار ناپذیر آن در تنوع نگرش‌های فلسفی محدود کرد؛ این واضح‌ترین و بنیادی‌ترین تأثیر این مسئله به شمار می‌رود. دقیق‌تر آن است که بگوییم این مسئله در همه‌ی جنبه‌های گوناگون زندگی مؤثر و پرنفوذ است. به بیان دیگر، در هر موردی که پای معرفت آدمی و باورهایش در میان است، از چگونگی تأثیر مسئله توجیه صدق نیز می‌توان سخن گفت.

استاد مطهری در اهمیت شناخت شناسی در دنیای امروز، چنین می‌گوید:

چون دنیای امروز، دنیای مکتب و ایدئولوژی است و ایدئولوژی‌ها زاده جهان بینی‌ها هستند و جهان شناسی‌ها زاده شناخت شناسی‌ها هستند پس باید قبل از هر چیز شناخت شناس بود تا جهان شناس شد تا تکلیف خود را در پیوستن به یک مکتب و ایدئولوژی روشن دید.^۱

با توجه به مطالب بالا، پس ۱- از آن جا که دغدغه هر انسانی کشف حقیقت و دست یابی به حقایق است و رسیدن به حقیقت نیاز به ابزار صحیح و کار آمد دارد، پس طرح مباحث معرفت شناسی و ابزار شناخت و ملاک صحت و خطای ادراک امری ضروری می‌باشد.

۲- از طرف دیگر در طول تاریخ شبهات فراوانی در باب ادراکات بشر و موانع زیادی برای رسیدن به حقیقت ذکر شده است. بی‌پاسخ ماندن شبهات می‌تواند در بخش دین و اخلاق و سیاست، مخرب و ویرانگر باشد؛ لذا پرداختن این گونه مباحث حداقل در رسیدن به پایه محکم و مستحکم ضروری است.

۳- از سوی دیگر پیدا شدن مکاتب مختلف معرفت شناسی و ارائه‌ی نظریات کاملاً ضد و نقیض در این باب و حل غیر منطقی و غیر صحیح مشکلات مربوط به معرفت شناسی، ضرورت ارائه‌ی یک معرفت شناسی قوی و محکم که حاوی نقاط قوت مکاتب دیگر و فاقد نقاط ضعف

۱. مرتضی مطهری، مسئله شناخت، چاپ هشتم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳، ص ۱۷-۱۶.

آنها و به همراه برتری‌ها و ابتکارات کارساز و حلال، کاملاً مشهود و محسوس است. با استفاده از منابع فلسفه اسلامی و تلاش مستمر می‌توان به چنین هدف مطلوبی دست یافت و شباهت مکاتب معرفت‌شناسی می‌تواند به باروری این مهم کمک کند.^۱

۴- هدف تحقیق

مکتب پوزیتیویسم که یکی از مکاتب تجربه‌گرای غربی است، رویکردی تجربه‌محورانه به همه‌ی مسائل دارد. پوزیتیویست‌ها معیار صدق گزاره‌ها را تجربه دانسته و معتقدند؛ هر گزاره‌ای که قابلیت «تحقیق پذیری» داشته باشد و یا گزاره‌ای تحلیلی باشد معنادار است و بدین واسطه گزاره‌های متافیزیکی، اخلاقی، الهیات و بقیه‌ی گزاره‌ها را بی‌معنا دانسته و ضربه‌ای سهمگین بر پیکر دین و معلومات ارزشی و بسیاری از معلومات غیر ارزشی وارد می‌سازند. این مسئله ناشی از شناخت‌شناسی خاص پوزیتیویست‌ها است که ثمره‌ی آن اعتقاد به جهان بینی خاص و به تبع آن ایدئولوژی خاص می‌باشد.

هدف از این پژوهش تطبیق دو دیدگاه مختلف روش شناختی (فلسفه‌ی اسلامی و پوزیتیویسم) می‌باشد تا بدین ترتیب مسائل هر دو مکتب تبیین و روشن گردیده و نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها معین گردد.

۵- روش تحقیق

روش تحقیق در این رساله به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد؛ بدین صورت که با مراجعه به کتابخانه، از کتاب‌های مرتبط با این تحقیق و سایر منابع کتابخانه‌ای فیش برداری گردیده است. پردازش اطلاعات نیز با شیوه‌ی عقلی و از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد؛ به این معنا، که فصل‌های اول تا چهارم به توصیف موضوع پژوهش و فصل پنجم و نهمی به تحلیل مطالب می‌پردازد؛ به این صورت که به تبیین، نقد، و مقایسه مطالب مطرح شده پرداخته است.

۱. حسن معلمی، پیشینه و پیرنگ معرفت‌شناسی اسلامی، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۲۷.